

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ



# نسبے گرایے در علوم اجتماعے؛ روایتے بدیل

تألیف:  
دکتر علیرضا حدادی

باہ مقدمہ:  
دکتر مهدی حسین زاده یزدی  
عضو هیئت علمی دانشگاه تهران



**عنوان:** نسبی‌گرایی در علوم اجتماعی؛ روایتی بدیل

**مؤلف:** علیرضا حدادی

**مقدمه‌نویس:** دکتر مهدی حسین‌زاده یزدی

**ناشر:** دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

**طراح جلد:** حمیدرضا حدادی

**چاپ و صحافی:** چاپ سپیدان

**چاپ اول:** ۱۴۰۰

**قیمت:** ۶۲۰/۰۰۰ ریال

**شمارگان:** ۱۰۰۰ نسخه

**شابک:** ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۹۲۶-۸

فروشگاه مرکزی: تهران: خیابان انقلاب، بین خیابان فخررازی و خیابان دانشگاه، مجتمع پارسا، همکف، واحد ۳ و ۲

تلفن: ۶۶۹۵۴۶۰۳ - تلفن مرکز بخش: ۰۹۱۰۶۰۶۷۴۱۱

فروشگاه کتاب صادق: تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، ضلع شمالی دانشگاه

صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • کد پستی: ۰۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۴

فروشگاه اینترنتی: [E-mail: pub@isu.ac.ir](mailto:pub@isu.ac.ir) • [www.press.isu.ac.ir](http://www.press.isu.ac.ir)

سرشناسه: حدادی، علیرضا، ۱۳۶۹-

عنوان و نام پدیدآور: نسبی‌گرایی در علوم اجتماعی؛ روایتی بدیل / تألیف علیرضا حدادی؛

با مقدمه مهدی حسین‌زاده یزدی.

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۲۷۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۹۲۶-۸

موضوع: نسبیت (فلسفه)

موضوع: نسبیت (اخلاق)

موضوع: نسبی‌گرایی فرهنگی

شناسه افزوده: حسین‌زاده یزدی، مهدی، ۱۳۵۹ - مقدمه‌نویس

شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)

رده بندی کنگره: BD ۱۲۱

رده بندی دیویی: ۲۱۲/۶۳

شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۱۲۵۲۷

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ،

فوتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی‌باشد.

این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

**تقدیم به:**

**پدرم، مادرم و همسرم**



## فهرست مطالب اجمالی

۱۹	..... سخن ناشر
۲۱	..... مقدمه مؤلف
۲۹	..... مقدمه دکتر مهدی حسین‌زاده یزدی
۳۳	..... فصل اول: تبیین انواع نسبی‌گرایی در منظر اندیشمندان
۱۱۹	..... فصل دوم: الگوی مفهومی پیشنهادی در مورد انواع نسبی‌اندیشی
۱۵۵	..... فصل سوم: نقد انواع مردود نسبی‌گرایی
۱۷۱	..... فصل چهارم: پیگیری انواع نسبی‌گرایی در اندیشه دکتر حسین کچویان
۲۴۷	..... نتیجه‌گیری
۲۴۹	..... فهرست منابع و مراجع
۲۶۱	..... نمایه





## فهرست مطالب تفصیلی

سخن ناشر.....	۱۹
مقدمه مؤلف .....	۲۱
مقدمه دکتر مهدی حسین‌زاده یزدی .....	۲۹
فصل اول: تبیین انواع نسبی‌گرایی در منظر اندیشمندان.....	۳۳
مقدمه .....	۳۳
الف. تفکیک نسبیّت، نسبی‌گرایی، نسبت‌گرایی و رابطه‌مندگرایی .....	۳۳
ب. نسبی‌گرایی نوعی از ضدواقعات گرایي .....	۳۵
۱. انواع نسبی‌گرایی در منظر کریس سویر .....	۳۷
۱-۱. نسبی‌گرایی توصیفی و هنجاری .....	۳۷
۲-۱. متغیرهای مستقل و وابسته در نسبی‌گرایی .....	۳۸
۱-۲-۱. مفاهیم مرکزی .....	۴۰
الف. نسبی‌گرایی مفهومی توصیفی .....	۴۰
ب. نسبی‌گرایی مفهومی هنجاری .....	۴۰
۲-۲-۱. باورهای مرکزی .....	۴۱
الف. نسبی‌گرایی توصیفی در نسبت با باورهای مرکزی .....	۴۱
ب. نسبی‌گرایی هنجاری در نسبت با باورهای مرکزی .....	۴۱
۳-۲-۱. ادراک .....	۴۱
الف. نسبی‌گرایی ادراکی توصیفی .....	۴۱
ب. نسبی‌گرایی ادراکی هنجاری .....	۴۲
۴-۲-۱. ارزیابی معرفتی .....	۴۲

- ۴۳..... الف. تنوع معرفتی
- ۴۴..... ب. قواعد
- ۴۴..... ج. نسبی گرایی معرفتی توصیفی
- ۴۴..... د. نسبی گرایی معرفتی هنجاری
- ۴۴..... ۵-۲-۱. اخلاق
- ۴۵..... الف. نسبی گرایی اخلاقی توصیفی
- ۴۵..... ب. نسبی گرایی اخلاقی هنجاری
- ۴۵..... ۶-۲-۱. معنا
- ۴۶..... الف. نسبی گرایی معنایی توصیفی
- ۴۶..... ب. نسبی گرایی معنایی هنجاری
- ۴۷..... ۷-۲-۱. عمل
- ۴۸..... الف. عمل و نسبی گرایی
- ۴۹..... ۸-۲-۱. صدق
- ۴۹..... الف. نسبی گرایی ارزش صدق توصیفی
- ۴۹..... ب. نسبی گرایی ارزش صدق هنجاری
- ۵۰..... ۹-۲-۱. واقعیت
- ۵۰..... الف. نسبی گرایی توصیفی واقعیت
- ۵۰..... ب. نسبی گرایی هنجاری واقعیت
- ۵۱..... ۱۰-۲-۱. ارتباط میان انواع نسبی گرایی
- ۵۲..... الف. مفاهیم، باورها، ادراک
- ۵۳..... ۱۱-۲-۱. برخی متغیرهای مستقل
- ۵۳..... الف. معماری شناختاری درونی
- ۵۵..... ب. انتخاب
- ۵۵..... ج. بازدید دوباره چهارچوبها
- ۵۶..... ۲. انواع نسبی گرایی در منظر کروز و هرر
- ۵۶..... ۱-۲. نسبی گرایی معناشناختی
- ۵۶..... ۲-۲. نسبی گرایی وجودشناختی
- ۵۶..... ۳-۲. نسبی گرایی معرفت شناختی

۵۶	۲-۴. نسبی‌گرایی اخلاقی.....
۵۷	۲-۵. نسبی‌گرایی زیبایی‌شناختی.....
۵۷	۳. انواع نسبی‌گرایی در منظر ماریا بقرامیان و آدام کارتر.....
۵۷	۳-۱. تقسیم نسبی‌گرایی به سلبی و ایجابی.....
۵۸	۳-۲. تقسیم نسبی‌گرایی به فراگیر و موضعی.....
۵۸	۳-۳. نسبی‌گرایی ضعیف در مقابل نیرومند.....
۵۸	۳-۴. انواع برجسته نسبی‌گرایی در مباحث فلسفی و فرهنگی.....
۶۰	۳-۴-۱. نسبی‌گرایی فرهنگی.....
۶۱	۳-۴-۲. نسبی‌گرایی مفهومی.....
۶۱	۳-۴-۳. نسبی‌گرایی صدق.....
۶۱	۳-۴-۴. نسبی‌گرایی معرفتی.....
۶۲	الف. نسبی‌گرایی عقلانیت.....
۶۲	ب. نسبی‌گرایی منطق.....
۶۳	ج. نسبی‌گرایی علم.....
۶۳	د. برساخت‌گرایی اجتماعی.....
۶۴	۳-۴-۵. نسبی‌گرایی اخلاق.....
۶۴	۳-۵. نسبی‌گرایی جدید.....
۶۶	۳-۵-۱. نظر بقرامیان راجع به دسته‌بندی کروز و هرر.....
۶۶	۴. انواع نسبی‌گرایی در منظر هاوارد سنکی.....
۶۷	۴-۱. نسبی‌گرایی در عقلانیت.....
۶۸	۴-۲. نسبی‌گرایی در صدق.....
۶۹	۴-۳. نسبی‌گرایی معرفت‌شناختی.....
۷۰	۴-۴. نسبی‌گرایی در واقعیت.....
۷۱	۴-۵. نسبی‌گرایی مفهومی.....
۷۳	۴-۵-۱. مدل‌های شاکله مفهومی.....
۷۳	الف. مدل کانتی.....
۷۳	ب. مدل کواینی.....
۷۶	ج. مدل نوکانتی: دیدگاه ویتگنشتاین.....

- ۶-۴. نتیجه‌گیری سنکی ..... ۷۷
۵. انواع نسبی‌اندیشان در منظر جیمز هریس ..... ۷۸
- ۱-۵. دیدگاه‌های کواین درباره نسبی‌گرایی منطقی و هستی‌شناختی ..... ۷۸
- ۲-۵. دیدگاه‌های گودمن درباره شیوه‌های جهان‌سازی ..... ۷۸
- ۳-۵. دیدگاه‌های کوهن درباره انقلاب‌های علمی و نسبی‌گرایی ..... ۷۹
- ۴-۵. دیدگاه‌های وینچ و گادامر درباره علوم اجتماعی، هرمنوتیک و نسبی‌گرایی ..... ۸۰
- ۵-۵. دیدگاه‌های کواین درباره معرفت‌شناسی طبیعی و نسبی‌گرایی ..... ۸۰
- ۶-۵. دیدگاه‌های پیرس درباره روش و عقلانیت ..... ۸۱
- ۷-۵. علم مدرن و فمینیسم ..... ۸۱
۶. انواع نسبی‌گرایی در منظر توماس کارسون ..... ۸۲
- ۱-۶. نسبی‌گرایی فرهنگی ..... ۸۲
- ۲-۶. نسبی‌گرایی موقعیتی ..... ۸۲
- ۳-۶. نسبی‌گرایی هنجاری ..... ۸۳
- ۱-۳-۶. تقریر فرد - محور ..... ۸۳
- ۲-۳-۶. تقریر جامعه - محور ..... ۸۳
- ۴-۶. نسبی‌گرایی فرااخلاقی ..... ۸۴
- ۱-۴-۶. نسبی‌گرایی فرااخلاقی حداکثری ..... ۸۴
- ۲-۴-۶. نسبی‌گرایی فرااخلاقی میانه‌رو ..... ۸۴
۷. انواع نسبی‌گرایی در منظر جک دانلی ..... ۸۵
- ۱-۷. نسبی‌گرایی فرهنگی ..... ۸۶
- ۲-۷. نسبی‌گرایی نیرومند ..... ۸۶
- ۳-۷. نسبی‌گرایی ضعیف ..... ۸۶
۸. انواع نسبی‌گرایی در منظر شهید مرتضی مطهری ..... ۸۷
- ۱-۸. نسبییت امور ..... ۸۷
- ۲-۸. نسبییت معرفت ..... ۸۷
- ۳-۸. نسبییت مادیات ..... ۸۸
- ۱-۳-۸. تمایز واقعیت نسبی و معرفت نسبی ..... ۸۸
- ۴-۸. نسبییت اجتهاد ..... ۸۹

- ۸-۵. نسبیّت اخلاق ..... ۹۰
- ۸-۶. نسبیّت عدالت ..... ۹۰
۹. انواع نسبی‌گرایی در منظر آیت‌الله عبداللّه جوادی آملی ..... ۹۱
- ۹-۱. نسبیّت حقایق خارجی ..... ۹۱
- ۹-۲. نسبیّت به واسطه عدم وجود واقعیت مطلق ..... ۹۱
- ۹-۳. نسبیّت به معنای تناسب نتیجه با مقدمات استدلال ..... ۹۱
- ۹-۴. نسبیّت به معنای تناسب پرسش و پاسخ ..... ۹۲
- ۹-۵. نسبیّت به معنای عدم شناخت مطابق واقع ..... ۹۲
- ۹-۶. انواع نسبیّت معرفت ..... ۹۲
- ۹-۶-۱. نسبیّت شناخت به واسطه انتقال مادی پدیده خارجی به پدیدار ذهنی ..... ۹۲
- ۹-۶-۲. نسبیّت شناخت به معنای تناسب حقایق خارجی با پیش‌فرض‌های عالم ..... ۹۳
- ۹-۶-۳. نسبیّت شناخت به معنای شناخت محدود عالم نسبت به مجهولات ..... ۹۳
- ۹-۶-۴. نسبیّت به معنای انسجام مفاهیم در پارادایمی موقتی ..... ۹۳
۱۰. انواع نسبی‌گرایی در منظر بابک احمدی ..... ۹۴
۱۱. انواع نسبی‌گرایی در منظر حجت‌الاسلام حمید پارسانیا ..... ۹۴
- ۱۱-۱. نسبیّت به معنای محدودیت؛ در مقابل معرفت غیرمحدود و کامل ..... ۹۴
- ۱۱-۲. نسبیّت به معنای اضافی بودن و نسبی بودن مفهوم؛ در مقابل مفاهیم و معانی نقسی ..... ۹۶
- ۱۱-۳. نسبیّت به معنی ارتباط میان دو چیز، وجود رابط؛ در مقابل وجود مستقل ..... ۹۶
- ۱۱-۴. نسبیّت فهم؛ در مقابل مطلق بودن فهم ..... ۹۷
- ۱۱-۵. نسبیّت حقیقت؛ در مقابل مطلق بودن حقیقت ..... ۹۹
۱۲. انواع نسبی‌گرایی در منظر حجت‌الاسلام عبدالحسین خسروپناه ..... ۱۰۰
- ۱۲-۱. نسبی‌گرایی معرفت‌شناختی ..... ۱۰۰
- ۱۲-۲. نسبی‌گرایی هستی‌شناختی ..... ۱۰۰
- ۱۲-۳. نسبی‌گرایی معناشناختی ..... ۱۰۰
- ۱۲-۴. نسبی‌گرایی روش‌شناختی ..... ۱۰۰
- ۱۲-۵. نسبی‌گرایی اخلاقی ..... ۱۰۱
- ۱۲-۶. نسبی‌گرایی زیباشناختی ..... ۱۰۱
- ۱۲-۷. نسبی‌گرایی گفتمانی ..... ۱۰۱

۱۲ □ نسبی‌گرایی در علوم اجتماعی، روایتی بدیل

- ۱۰۱..... ۸-۱۲. نسبی‌گرایی فمینیستی
- ۱۰۱..... ۹-۱۲. متغیرهای مستقل نسبی‌گرایی
- ۱۰۱..... ۱-۹-۱۲. ظروف زمانی و مکانی
- ۱۰۱..... ۲-۹-۱۲. جهاز عصبی
- ۱۰۲..... ۱۳. انواع نسبی‌گرایی در حوزه اخلاق
- ۱۰۲..... ۱-۱۳. نسبی‌گرایی توصیفی فردی
- ۱۰۲..... ۲-۱۳. نسبی‌گرایی توصیفی فرهنگی
- ۱۰۲..... ۳-۱۳. نسبی‌گرایی فرااخلاقی فردی
- ۱۰۳..... ۴-۱۳. نسبی‌گرایی فرااخلاقی فرهنگی
- ۱۰۳..... ۱-۴-۱۳. تفاوت عینی‌گرایی و مطلق‌گرایی
- ۱۰۴..... ۲-۴-۱۳. تفاوت نسبی‌گرایی و ضدواقع‌گرایی
- ۱۰۵..... ۱۴. انواع نسبی‌گرایی در اندیشه برخی متفکران علوم اجتماعی
- ۱۰۵..... ۱-۱۴. مانهایم
- ۱۰۵..... ۱-۱-۱۴. معیارهای پویای اعتبار: انطباق، مناسبت و اتوپیا
- ۱۰۶..... ۲-۱-۱۴. نسبت‌گرایی (ربط‌گرایی)
- ۱۰۹..... ۲-۱۴. وینچ
- ۱۱۰..... ۳-۱۴. فوکو
- ۱۱۱..... ۱۵. نقد و بررسی انواع مطروحه دسته‌بندی نسبی‌گرایی در منظر اندیشمندان
- ۱۱۲..... ۱-۱۵. سویر
- ۱۱۳..... ۲-۱۵. کروزر و هرر
- ۱۱۳..... ۳-۱۵. بقرامیان
- ۱۱۴..... ۴-۱۵. کارسون
- ۱۱۴..... ۵-۱۵. شهید مطهری
- ۱۱۵..... ۶-۱۵. آیت‌الله جوادی آملی
- ۱۱۶..... ۷-۱۵. پارسانیا
- ۱۱۶..... ۸-۱۵. خسروپناه
- ۱۱۷..... جمع‌بندی

فصل دوم: الگوی مفهومی پیشنهادی در مورد انواع نسبی‌اندیشی .....	۱۱۹
مقدمه .....	۱۱۹
الف. تفکیک نسبت‌گرایی از نسبی‌گرایی .....	۱۱۹
ب. نسبت‌گرایی .....	۱۲۰
ج. نسبییت منظر عالم از جنبه وجودی معرفت .....	۱۲۰
د. نسبییت متعلق معرفت: رابطه‌مندگرایی به معنای شناخت اضافی موضوع شناسایی در مقابل شناخت نفسی .....	۱۲۱
هـ. نسبییت سیر پیدایش معرفت: مقام توجیه و گردآوری .....	۱۲۲
و. نسبی‌گرایی معرفت .....	۱۲۲
۱. انواع نسبی‌گرایی معرفت از وجوه گوناگون .....	۱۲۳
۱-۱. خاستگاه شکل‌گیری نسبی‌گرایی .....	۱۲۴
۱-۱-۱. معرفتی .....	۱۲۵
۲-۱-۱. غیر معرفتی .....	۱۲۶
۲-۱. دوره تاریخی .....	۱۲۸
۳-۱. افراد تأثیرگذار .....	۱۲۸
۴-۱. گستره .....	۱۲۸
۵-۱. سلبی یا ایجابی .....	۱۲۹
۱-۵-۱. ضدجهان‌شمولی .....	۱۳۰
۲-۵-۱. ضدعینی‌گرایی .....	۱۳۰
۳-۵-۱. ضدمبناگرایی .....	۱۳۰
۶-۱. توصیفی یا هنجاری .....	۱۳۰
۱-۶-۱. امکان جمع میان عینی‌گرایی و ضدواقع‌گرایی با کمک تفکیک توصیفی یا هنجاری .....	۱۳۱
۷-۱. تفاوت مراتب معرفت .....	۱۳۳
۸-۱. رابطه میان گزاره‌ها (تناقض یا عدم تناقض) .....	۱۳۴
۱-۸-۱. نظریات صدق .....	۱۳۵
الف. نظریه مطابقت .....	۱۳۵
ب. نظریه انسجام .....	۱۳۶

۱۳۶	..... ج. نظریه عمل
۱۳۶	..... ۲-۸-۱. مبنای‌گرایی
۱۳۷	..... ۹-۱. متغیر مستقل و وابسته نسبییت
۱۳۸	..... ۱-۹-۱. متغیرهای مستقل و وابسته در نسبی‌گرایی
۱۳۸	..... الف. متغیر مستقل الف
۱۳۹	..... ب. متغیر مستقل ب
۱۳۹	..... ج. متغیر وابسته درجه اول
۱۳۹	..... د. متغیر وابسته درجه دوم
۱۴۰	..... هـ. متغیر وابسته درجه سوم
۱۴۰	..... و. متغیر وابسته درجه چهارم
۱۴۰	..... ۲-۹-۱. ارتباطات خاص میان برخی متغیرها
۱۴۰	..... ۳-۹-۱. عقلانیت، صدق، توجیه با معرفت
۱۴۱	..... ۴-۹-۱. واقعیت با فهم
۱۴۱	..... ۲. مهم‌ترین متغیرهای وابسته نسبییت
۱۴۲	..... ۱-۲. واقعیت
۱۴۲	..... ۲-۲. مفهوم
۱۴۳	..... ۳-۲. پارادایم
۱۴۴	..... ۴-۲. معنا و تفسیر
۱۴۵	..... ۵-۲. معرفت به معنای باور صادق موجه
۱۴۶	..... ۱-۵-۲. معرفت‌شناسی، علم، منطق و ساخت اجتماعی
۱۴۶	..... ۶-۲. معیار معرفت
۱۴۷	..... ۱-۶-۲. عقلانیت به مثابه جایگزین معرفت
۱۴۷	..... ۷-۲. ارزش و هنجارمندی
۱۴۸	..... ۱-۷-۲. نسبییت به معنای ضرورت بالقیاس فعل و هدف
۱۴۹	..... ۲-۷-۲. ماهیت گزاره‌های اخلاقی
۱۵۲	..... ۸-۲. مسائل و پرسش‌ها
۱۵۲	..... جمع‌بندی
۱۵۳	..... ویژگی‌های مدل مختار



فصل سوم: نقد انواع مردود نسبی گرایي.....	۱۵۵
مقدمه .....	۱۵۵
۱. نسبی گرایي فراگیر و افراطی .....	۱۵۵
۲. نسبی گرایي صدق معرفت .....	۱۵۷
۱-۲. اشکال من - آیینی .....	۱۵۹
۳. نسبی گرایي واقعیت .....	۱۶۲
۴. نسبی گرایي معنا و تفسیر .....	۱۶۳
۱-۴. برهان ترجمه .....	۱۶۴
۵. نسبی گرایي ارزش‌ها .....	۱۶۶
۶. نسبی گرایي چهارچوب مفهومی .....	۱۶۸
جمع‌بندی .....	۱۶۹
فصل چهارم: پیگیری انواع نسبی گرایي در اندیشه دکتر حسین کچویان.....	۱۷۱
مقدمه .....	۱۷۱
۱. روش درک اندیشه کچویان .....	۱۷۵
۲. مفاهیم نظری .....	۱۷۶
۳. شناخت‌نامه کچویان .....	۱۷۸
۴. مسائل مهم در نظام فکری کچویان .....	۱۸۱
۱-۴. تجدد .....	۱۸۲
۱-۱-۴. تجدد به مثابه دین .....	۱۸۲
۲-۱-۴. تجدد امتداد مسخ‌شده سنت .....	۱۸۳
۳-۱-۴. غلبه بر تفکر «جهانی‌شدن تجدد» .....	۱۸۴
الف. نسبت جهانی‌شدن و دنیوی‌شدن .....	۱۸۵
۴-۱-۴. تجددشناسی در تقابل با مدرنیته ایرانی .....	۱۸۵
۵-۱-۴. کلی بودن تجدد در عین امکان‌آخذ .....	۱۸۶
۶-۱-۴. نقد تجدد با مابعدتجددگرایی در عین آگاهی از نواقص آن .....	۱۸۷
۷-۱-۴. فعالیت‌ایجابی علیه تجدد: توجه به تاریخ‌انیا .....	۱۸۸
۲-۴. هویت .....	۱۸۸
۱-۲-۴. گفتمان‌های هویتی غرب .....	۱۸۹

- الف. ملی‌گرایی ..... ۱۸۹
- ب. هویت تکثرگرایانه ..... ۱۸۹
- ۲-۲-۴. گفتمان‌های هویتی ایران ..... ۱۹۰
- ۳-۴. تکثرگرایی ..... ۱۹۲
- ۱-۳-۴. تکثرگرایی تاریخی ..... ۱۹۲
- ۲-۳-۴. مرگ علم واحد با ظهور تکثرگرایی معرفتی و تنوع حقایق ..... ۱۹۲
- ۴-۴. علوم انسانی ..... ۱۹۴
- ۱-۴-۴. علوم انسانی، علمی تاریخی ..... ۱۹۴
- ۲-۴-۴. علوم انسانی، سازنده تاریخ ..... ۱۹۵
- ۳-۴-۴. علوم انسانی، دانشی عملی در مقابل نظری ..... ۱۹۶
- ۴-۴-۴. علوم انسانی دینی و تجربه‌پذیری ..... ۱۹۶
- ۵-۴-۴. علوم انسانی، علمی ارزشی ..... ۱۹۷
- ۶-۴-۴. علوم انسانی، علمی ظنی و ذوقی ..... ۱۹۸
- ۷-۴-۴. نقد علم توهمی بی‌ربط به واقع ..... ۱۹۹
- ۵-۴. تولید و تحول علم ..... ۲۰۰
- ۱-۵-۴. آغاز علم از تجربه وجودی ..... ۲۰۰
- ۲-۵-۴. تأثیر جهان غیر علم در محتوای علم ..... ۲۰۰
- ۳-۵-۴. تغییر در جهان غیر علم، عامل تحول در علم ..... ۲۰۲
- ۴-۵-۴. چیستی علم بومی و نسبت آن با علم دینی ..... ۲۰۳
- ۵-۵-۴. تولید علوم اجتماعی بومی ایران از طریق فلسفه اجتماعی الهیاتی ..... ۲۰۵
- ۶-۵-۴. تحول در علوم طبیعی ..... ۲۰۶
- ۶-۴. نوع استفاده از ظرفیت و همچنین نقد فوکو ..... ۲۰۷
- ۱-۶-۴. روش دیرینه‌شناسانه و نقد فوکو به کانت ..... ۲۰۸
- ۲-۶-۴. تحقق تاریخی انسان و نسبت عقل و تاریخ ..... ۲۰۹
- ۳-۶-۴. رژیم‌های حقیقت ..... ۲۱۰
- الف. علوم انسانی، سازنده سوژه ..... ۲۱۲
- ۴-۶-۴. نفی سیالیت محض وجود انسانی، ردّ نفی فاعلیت و اراده‌گرایی انسان ..... ۲۱۲
- ۵-۶-۴. نفی گنگ بودن آینده و اعتقاد به پیشرفت در تاریخ ..... ۲۱۴

۲۱۴	..... ۶-۶-۴. نقد ایده مرگ مؤلف
۲۱۵	..... ۵. بررسی اندیشه کچویان با تطبیق الگوی مفهومی انواع نسبی‌گرایی
۲۱۶	..... ۱-۵. واقع‌گرایی
۲۱۷	..... ۲-۵. حقایق متنوع به معنای نسبت منظر عالم
۲۱۸	..... ۳-۵. خاستگاه شکل‌گیری نسبت
۲۱۸	..... ۱-۳-۵. خاستگاه معرفتی: پارادایم‌گرایی کوهنی
۲۱۹	..... ۲-۳-۵. غیرمعرفتی: مابعدتجدد
۲۲۰	..... الف. انتقاد به مطالعات فرهنگی
۲۲۱	..... ۴-۵. نسبی‌گرایی مفهومی در عین رد نکتزگرایی وجودی، معرفتی و معنایی
۲۲۳	..... ۵-۵. نسبی‌گرایی پارادایمیک
۲۲۴	..... ۶-۵. نسبت ناشی از عقل تاریخی
۲۲۵	..... ۷-۵. ابهام در جمع اعتقاد به عقل تاریخی در عین ردّ نسبت صدق
۲۲۸	..... ۸-۵. حل ابهام با قائل شدن مراتب علوم در نسبت معرفتی
۲۳۱	..... ۱-۸-۵. نتیجه دسته‌بندی معارف
۲۳۲	..... ۹-۵. قیاس‌ناپذیری مفاهیم
۲۳۳	..... ۱۰-۵. نقد نسبت معنا و تفسیر
۲۳۵	..... ۶. ملاحظات و تأملات
۲۳۵	..... ۱-۶. معرفت‌شناختی
۲۳۸	..... ۲-۶. اعتقاد به تحقق تاریخی انسان منجر به انکار نظریه فطرت
۲۴۰	..... ۳-۶. نسبت عقل و ایمان
۲۴۲	..... ۴-۶. رفع ابهام از اعتقاد به گسست تاریخی در عین تدوام
۲۴۳	..... ۵-۶. رفع ابهام از اعتقاد به اراده‌گرایی در مقابل حوالت تاریخی
۲۴۳	..... جمع‌بندی
۲۴۷	..... نتیجه‌گیری
۲۴۹	..... فهرست منابع و مراجع
۲۶۱	..... نمایه

## فهرست جدول‌ها

جدول ۱. دامنه نسبیّت در منظر بقرامیان ..... ۵۹

## فهرست شکل‌ها

- شکل ۱. تفاوت مفاهیم نسبیّت، نسبی‌گرایی، نسبت‌گرایی و رابطه‌مندگرایی ..... ۳۴
- شکل ۲. نسبت‌گرایی ..... ۳۵
- شکل ۳. متغیرهای نسبی‌گرایی در نگاه سویر ..... ۳۹
- شکل ۴. نمودار درختی متغیرهای وابسته و زیرشاخه‌ها در نگاه سویر ..... ۵۱
- شکل ۵. اقسام آنچه مشهور به نسبی‌گرایی است ..... ۱۱۹
- شکل ۶. نمودار انواع دسته‌بندی‌های جدید در مورد نسبی‌گرایی از جهات مختلف ..... ۱۲۴
- شکل ۷. انواع نسبی‌گرایی بر حسب خاستگاه شکل‌گیری ..... ۱۲۵
- شکل ۸. نسبی‌گرایی بر حسب گستره ..... ۱۲۹
- شکل ۹. نسبی‌گرایی بر حسب سلب و ایجاب ..... ۱۲۹
- شکل ۱۰. رابطه نسبی‌گرایی و ضدواقع‌گرایی ..... ۱۳۲
- شکل ۱۱. سطوح احتمال پذیرش نسبیّت ..... ۱۳۳
- شکل ۱۲. متغیرهای مستقل و وابسته در نسبی‌گرایی ..... ۱۳۸
- شکل ۱۳. اهمّ متغیرهای وابسته نسبیّت ..... ۱۴۱
- شکل ۱۴. تصویر کلان تمام انواع یادشده ..... ۱۵۲
- شکل ۱۵. نمای شماتیک مدل مفهومی ارزش معرفت‌شناختی انواع نسبی‌گرایی ..... ۱۵۳
- شکل ۱۶. نسبت علم بومی و علم دینی در اندیشه کچویان ..... ۲۰۴
- شکل ۱۷. طبقه‌بندی معارف در اندیشه کچویان ..... ۲۳۰

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»  
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ  
(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل / آیه شریفه ۱۵)

## سخن ناشر

رسالت و مأموریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام) «تولید علوم انسانی اسلامی» و «تربیت نیروی درجه یک برای نظام» (که در راهبردهای ابلاغی مقام معظم رهبری مدظله تعیین شده) است. اثرپذیری علوم انسانی از مبانی معرفتی و نقش معارف اسلامی در تحول علوم انسانی، دانشگاه را بر آن داشت که به طراحی نو و بازمهندسی نظام آموزشی و پژوهشی جهت پاسخگویی به نیازهای نوظهور انقلاب، نظام اسلامی، و تربیت اسلامی به عنوان یک اصل محوری برای تحقق مأموریت خویش بپردازد و بر این باور است که علم توأم با تزکیه نفس می‌تواند هویت جامعه را متأثر در مسیر تعالی و رشد قرار دهد.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چهارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل‌ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهره‌مندی از نتایج آن‌هاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

**دانشگاه امام صادق (علیه السلام)** در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل

مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام‌عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

**معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)** با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت **مکتب علمی امام صادق (علیه‌السلام)** را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (ان‌شاءالله)

ولله‌الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

## مقدمه مؤلف

مکتب‌های علوم اجتماعی از جهت روش علمی به چند دسته عمده تقسیم می‌شوند که جریان‌های اثبات‌گرا، تفسیری و انتقادی از مهم‌ترین این دسته‌ها هستند. رویکردهای تفسیری با انتقاد به اثبات‌گرایی خام شکل گرفت و به دلیل دقت نظر در تمایز میان علوم انسانی و علوم طبیعی، از استقبال گسترده‌ای برخوردار گشت. ذات علوم انسانی، به خاطر موضوع آنکه انسان است، دارای پیچیدگی‌های بیشتری نسبت به علوم طبیعی است و سخن از تک‌علیتی بودن، آزمایش‌پذیری، مطلق‌گرایی عام و پیش‌بینی‌پذیری پدیده‌های انسانی امری دشوار و گاهی ناصحیح است. لذا برخی اندیشمندان این حوزه برای هر چه دورتر شدن از ویژگی‌های علوم طبیعی، از طرف دیگر بام افتاده و بدون در نظر گرفتن جزئیات و تبعات، در ورطه نسبی‌گرایی غوطه‌ور شده و کشف حقیقت، فهم دیگر افراد و جوامع و گفت‌وگو با ایشان در تمام ابواب را ممتنع دانسته‌اند.

نسبی‌گرایی، تقریباً در هر حوزه‌ای از مباحث فلسفی، جای پا دارد. بسیاری از انواع نسبی‌گرایی توصیفی در فلسفه علوم اجتماعی دیده می‌شود که به مسئله فهم و تفسیر فرهنگ‌های بیگانه یا اعصار تاریخی گذشته می‌پردازد. برخی دیگر از انواع نسبی‌گرایی در فلسفه ذهن مطرحند و شماری دیگر در فلسفه علم و در بحث از تغییر مفهومی و قیاس‌ناپذیری، خود را نشان می‌دهند.

با ظهور تاریخ‌گرایی در قرن نوزدهم دغدغه عینیت در علوم اجتماعی نیز تشدید شد. دغدغه‌ای که سنت قاره‌ای متهم به بی‌توجهی به آن و فروافتادن در دام نسبی‌گرایی است. این سنت نشئت گرفته از اومانیزم سوژه‌محور است که برداشت بسیار متفاوتی از معنا را نسبت به برداشت علمی پارادایم اثبات‌گرایی ارائه می‌دهد. در این رویکرد جامعه صرفاً ابژه شناخت نبوده، بلکه پدیده‌ای است که معنایش محصول خلاقیت نسل‌های بشری است. شاید بتوان مهم‌ترین جریان‌های فلسفه علوم اجتماعی قاره‌ای را سنت‌های هرمنوتیک و انتقادی دانست که هر کدام به نوعی با به چالش کشیدن مرجعیت و اقتدار فلسفی علوم طبیعی، تحولاتی برساخت‌گرایانه و نسبی‌گرایانه را رقم زدند (شیرت، ۱۳۹۵: ۱۸-۲۵).

رویکرد جامعه‌شناختی به فهم چنین تغییراتی در علم، مرتبط با نگاه ساختاری به علم است که کوهن آن را با پارادایم‌ها و لاکاتوش با طرح‌های پژوهشی توضیح می‌دهد. کوهن معتقد بود معیاری برای داوری میان پارادایم‌ها وجود ندارد. چه‌بسا مسئله عمیق‌تر از این باشد و این پارادایم‌ها متقابلاً غیرقابل فهم و قیاس‌ناپذیر اعلام شوند. چنین رویکردهایی که احیاکننده اومانیزم و شکاکیت یونان و روم باستان بود، با شدت بیشتری به نتایج نسبی‌گرایانه در حوزه‌های گوناگون چون فلسفه علم، جامعه‌شناسی، مطالعات فرهنگی، حقوق بشر و... منتهی شد (بنتون و کرایب، ۱۳۹۱: ۱۲۲).

نسبی‌گرایی، نه فقط اتهامی مربوط به سنت قاره‌ای، بلکه می‌توان آن را در طول تاریخ اندیشه ردیابی کرده و در سنت‌هایی که در مقابل کلی‌گرایی، قانون‌گرایی، ذات‌گرایی، مطلق‌گرایی، ثبات، قطعیت، ابدیت، جهان‌شمولیت و در یک کلام «عینیت»؛ تصویری جزئی‌نگر، متغیر، نام‌انگارانه<sup>۱</sup>، ظنی، تاریخی، بومی و غیر ضروری از معرفت ارائه می‌دهند، مشاهده نمود.

در نگاهی ساده نسبی‌گرایی<sup>۲</sup> صورتی از رابطه  $y=f(x)$  است که در آن  $x$  متغیر مستقل بوده و  $y$  متغیر وابسته است. گونه‌های مختلف نسبی‌گرایی زمانی پدید می‌آید که به جای  $x$  و  $y$  وجوه مختلفی قرار داده شود. به طور مثال فهم، معرفت، ارزش‌گذاری و حتی واقعیت می‌تواند  $y$  باشد و زبان، فرهنگ، تاریخ، دین، جنسیت و... می‌تواند به جای  $x$  قرار داده شود (Swoyer, 2003). در حالی که در واقع‌گرایی خام،  $Y$  ادراک و  $x$  واقعیت می‌باشد؛ باید توجه نمود که نیرومندترین شکل نسبی‌گرایی، نوعی از ضدواقع‌گرایی<sup>۳</sup> است (Craig, 1998: 7318). انواع معتدل‌تر نسبیت را نیز می‌توان نوعی از واقع‌گرایی انتقادی دانست که تلاش کرده‌اند نظریه‌ای تلفیقی از سنت قاره‌ای و تحلیلی ارائه دهند. به طوری که ادراک از طریق واسطه‌های معرفت‌شناختی چون زبان و فرهنگ به واقعیت وابستگی دارد (عارفی، ۱۳۸۲).

اغلب نسبی‌گرایی با نکتزگرایی یا مابعدتجدد یکی انگاشته می‌شود، در صورتی که نمی‌توان نسبی‌گرایی را نکتزگرایی در هر موضوعی دانست. لذا هدف اصلی کتاب این نکته است که نسبی‌گرایی یک اسم عام نیست که بتوان تمام انواع آن را با یک نگاه نقد کرد. لذا لازم است، با دقتی مضاعف، ریشه بحث را شناخت و در تدقیق انواع نسبی‌گرایی کوشید، تا هم تمام افراد را با برچسب نسبی‌گرایی افراطی طرد نکرده و هم کاستی‌های انواع آن تبیین گردد.

در توضیح بیشتر عنوان کتاب باید گفت، در نسبت میان علوم انسانی و علوم اجتماعی سخن بسیار است. برخی از علوم اجتماعی معنای خاص مراد کرده و آن را جزئی از علوم انسانی دانسته و

- 
1. Nominalism
  2. Relativism
  3. Anti Realism



برخی آن دو را قسیم یکدیگر با تفاوت معنایی کاربردی بودن یکی نسبت به دیگری در نظر گرفته‌اند؛ اما آنچه که در ایران رایج است تفکیک میان علوم اجتماعی - به معنای عام - و علوم انسانی وجود ندارد و در اکثر موارد این دو به جای یکدیگر به کار می‌روند. در این کتاب نیز مقصود از علوم اجتماعی، نه مجموعه رشته‌ای خاص، بلکه تمام علوم انسانی می‌باشد. چرا که انواع نسبیّت در انواع علوم انسانی مدخلیت دارد.

از سوی دیگر این نسبی‌گرایی را باید در مفاهیم و مصادیق علوم اجتماعی پیگیری نمود. توضیح آنکه تجدد، فراگیری و پیشوایی خود را از طریق فرایند توسعه و جهانی شدن دنبال می‌کند. در مقابل برخی منتقدان پارادایم توسعه، با ردّ مسیر تک‌خطی متجددشدن و قبول چندفرهنگ‌گرایی، نسخه‌های بومی را برای فرهنگ‌های گوناگون تجویز می‌کنند. از مهم‌ترین نتایج این رویکرد، تمرکز بر تکثرگرایی هویتی و بومی‌گرایی در علم بوده است.

طرفداران علم بومی رویکردهای متنوعی را در پیش گرفته‌اند. کچویان از جمله متفکران جریان علم بومی معاصر در ایران است که با استفاده از ظرفیت مابعدتجدد به نقد تجدد پرداخته است. در اندیشه وی با تجددستیزی، باب تکثر هویتی باز شده و تأکید بر هویت ایرانی، از ماهیت بالضروره تاریخی انسان و تکثر عقل و علوم انسانی پرده برمی‌دارد. او با نفی تمامیت‌خواهی فراروایت تجدد و تمرکز بر فلسفه اجتماعی برآمده از متون دینی، سعی در بازکردن مجالی برای عرض اندام هویت و علم اسلامی - ایرانی دارد.

تاریخ ارتباط تمدن شرق و غرب به گذشته‌های بسیار دور باز می‌گردد. نهضت ترجمه در اواخر قرن دوم هجری، بسیاری از آثار اصلی تمدن یونان را به زبان عربی بازگرداند و زمینه‌آشنایی ابتدایی را فراهم نمود؛ اما متفکران مسلمان، به شرح و ترجمه بسنده نکرده و این علوم را در مسیر مدنظر خود و آموزه‌های قرآن و سنت تعالی بخشیدند. تا جایی که این بار در جنگ‌های صلیبی که شریعتی از آن به «مهاجرت‌های صلیبی» یاد می‌کند (شریعتی، ۱۳۸۴: ۱۰۹)، این اروپا بود که در زمینه‌های گوناگون طبیعی و مابعدالطبیعی، تحت تأثیر دانش مسلمانان قرار گرفت.

این روند که عموماً کشورهای اسلامی با معیارهای خود از موضع قدرت و به دید تحقیر به غربیان نگاه می‌کردند تا قرن هفدهم میلادی ادامه یافت (موتقی، ۱۳۸۰: ۸۲)؛ اما انقلاب علمی و صنعتی در اروپا منجر به دگرگونی جریان شد. هجوم گسترده نظامی و استعماری غرب به کشورهای غنی اسلامی، منجر به دور جدیدی از روابط شد. صفویان کوشیدند تا از دستاوردهای نظامی و تکنیکی غرب بهره‌مند گردند. رفته‌رفته آن موضع قدرت تبدیل به حس حسرت نسبت به تمدن غرب شد و تاجایی پیش رفت که در زمان قاجار، نخبگان ایرانی تنها راه پیشرفت را در غربی

شدن می‌دیدند. بر این اساس بسیاری از متفکران مسلمان تلاش کردند جوامع اسلامی را با دستاوردهای علمی غرب آشنا کنند. لذا با فرستادن دانشجویان و ترجمه کتب، مدارس و دانشگاه‌هایی به سبک تجدد<sup>۱</sup> شکل گرفت و آموزش علوم و فنون غربی در جوامع اسلامی آغاز گردید.

اما توجه به این مهم ضروری است که در قرن نوزدهم چیزهایی کشف شد که نه در دوران باستان، قرون وسطی و نه روشنگری هیچ سابقه‌ای نداشت. این اکتشافات علمی معلول احساس نیازهای تازه در انسان متجدد بود که به تدریج منجر به محدود شدن دامنه معرفت علمی به دانش تجربی و آزمون‌پذیر و انکار هر نوع معرفت وحیانی، شهودی و عقلی و تبدیل آنها به موضوع علم شد. با گذر زمان مصلحان اجتماعی جهان اسلام متوجه شدند که علوم و فنون غربی نه تنها آنها را در مقابل استعمارگران غربی قدرتمند نکرده است، بلکه این نیازها و مسائل جدید، آنها را از ارزش‌های اسلامی دور کرده و در نهایت کشورهای اسلامی را بیش از پیش به غرب وابسته نموده است. چرا که در این مقطع زمانی بود که بررسی مناسبات علم غربی سکولار با علم دینی به صورت مسئله‌ای در جهان اسلام مطرح شد. عده‌ای راه اسلامی‌سازی معرفت را اضافه کردن چند واحد اسلامی به دروس دانشگاهی دانستند و برخی جریان‌ها خواستار نقد ریشه‌ای متون غربی و رجوع به سنت‌ها در جهت تأسیس دانشی بومی بودند. این تفطن منشأ طرح دیدگاه‌های مختلف در زمینه علم و فناوری دینی و بومی شد (موحد ابطحی، ۱۳۹۵: ۱۰).

از طرفی در فضای جهانی با گسترش ادبیات توسعه در علوم اجتماعی، منتقدان این پارادایم از دوره نوسازی با نام‌های امپریالیسم و استعمار یاده کرده‌اند و برای پیشرفت کشورهای پیرامونی، توصیه به اتکا به ساخت درونی داشته‌اند. از مهم‌ترین نتایج این رویکرد، تمرکز بر هویت مستقل فرهنگ‌های گوناگون و بومی‌گرایی در علم بوده است.

اگرچه پیشگامان نهضت اسلامی و مؤثرین در ایجاد موج جدید علم دینی و بومی در جهان اسلام افرادی چون سیدجمال‌الدین اسدآبادی، اقبال لاهوری، ابوالاعلی مودودی، سیدقطب، سیدمحمدباقر صدر و فاروقی بودند، در ایران نیز برخی نخبگان در مواجهه با منورالفکرانی که علم را وحی منزل دنیای تجدد و حقیقتی قطعی، فراتاریخی و به دور از تأثیر شرایط و زمینه‌های تاریخی می‌دانستند؛ با نقد غرب و غرب‌زدگی، از ضرورت متناسب‌سازی علم و دانشگاه ایرانی با زمینه‌ها و مسئله‌های فرهنگ بومی و جامعه ایرانی حمایت کردند. از جمله بومی‌گرایان قبل از انقلاب اسلامی می‌توان به جلال آل‌احمد، سیدحسین نصر، سیداحمد فردید و علی شریعتی اشاره کرد.

---

1. modernity

حتی برخی معتقدند فعالیت‌های مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران در دهه ۱۳۴۰، که شامل افرادی چون احمد اشرف، داریوش آشوری، جمشید بهنام، علیمحمد کاردان، باقر پرهام، مجید رهنما، شاپور راسخ، عباسقلی خواجه نوری و نراقی می‌شد را نیز می‌توان گفتارهای اولیه و مبهمی در راستای به خدمت گرفتن دانش غربی و جامعه‌شناسی نوین، ذیل مسائل بومی تفسیر کرد. مثلاً نراقی به نقد وضع علم و توسعه در مدرنیته غربی پرداخت و از بحران در علوم اجتماعی بحث کرد و تکنوکراتیسم تیپ ماساچوستی در مدیریت ایران را به نقد کشید (فراستخواه، ۱۳۸۸: ۹۹).

اما خودآگاهی سراسری در این زمینه را تقریباً باید هم‌زمان با تحولات و زمینه‌های شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران دانست. چنانچه کنگره‌های بین‌المللی علوم اسلامی از دهه (۱۹۷۰ میلادی/۱۳۵۰ شمسی) آغاز شد و با قیام امام خمینی (علیه‌السلام)، مواجهه تمدن اسلامی با تمدن مدرن غربی صورتی تازه یافت و تحول در علوم انسانی و تولید علم بومی دینی با بینشی تجدیدستیزانه بیش‌ازپیش در کانون توجه اندیشمندان مسلمان قرار گرفت.

دکتر حسین کچویان با تکیه بر برخی آرای فوکو و وگلین سعی در نشان دادن امکان وجود چند جامعه‌شناسی هم‌عرض را داشته و معتقد است جامعه‌شناسی زبان و الهیات دوران مدرن بوده، که دوران مرگش فرارسیده و اکنون به تعداد مکاتب موجود، سرمشق جامعه‌شناسی وجود دارد. وضعی که به تکثرگرایی معرفتی و روش‌شناختی شناخته می‌شود (کچویان، ۱۳۸۹. الف: ۶۳).

هسته سخت نظریات جریان علم بومی بر این مهم سامان می‌گیرد که علم مدرن، محصول دوره‌ای خاص از تاریخ و فرهنگ جهان غرب بوده، انعکاس آن در جوامع دیگر نمی‌تواند مشکلی را از ایشان حل کند. این جریان که با جهانی‌سازی علوم غربی به مقابله پرداخته‌است، در ایران تحت عنوان علم بومی و در جهان عرب، با عنوان عقل عربی مطرح شد (امزیان، ۱۳۸۹: ۲۰۳). در میان این بومی‌گرایان، دو دیدگاه متفاوت به مسئله تولید علم بومی وجود داشته است. رویکرد اول، از لزوم توجه به میراث سنتی جامعه خودی سخن گفته و علم بومی را شیوه خاص نگرش به جهان، که نتیجه انباشت چنین تجربه بومی‌ای است، می‌داند. این رویکرد البته بهره‌گیری هوشمندانه از ذخیره دانش جهانی در پارادایم خود را نیز نفی نمی‌کند. اما تلقی دوم خود را مکلف به بهره‌مندی از دستاوردهای جهانی، مشروط به خصلت درون‌زایی تفکر، به مثابه گوهر علم بومی در نظر می‌گیرد. در این رویکرد ارکان علم در قالب مؤلفه‌های چهارگانه مسئله، روش، حل و نقد توضیح داده شده و تصریح می‌شود که علم بومی می‌تواند از «روش» و تجربه‌های «حل» مسئله علم جهانی استفاده کند، اما اگر بخواهد در زمینه «مسئله» و «نقد» نیز چنین کند، با بحران

روبه‌رو خواهد شد. مسئله و نقد وارداتی، به معنای فروافتادن در شرایطی است که نه شناخت صورت مسائل بومی را ممکن می‌سازد و نه توان خاتمه‌دادن به فرایند آزمون و خطای بی‌فرجام را خواهد شد (مؤمنی، ۱۳۸۸: ۱۵۴).

در کتاب پیش‌رو کوشیده شده است با تتبع در منابع مختلف به سوالات ذیل پاسخ داده شود:

- ۱- آیا نسبی‌گرایی یک کل واحد بوده و تمام انواع آن با ایراد معرفت‌شناختی روبه‌رو هستند؟
- ۲- دسته‌بندی‌های مطرح درباره انواع نسبی‌گرایی چیست؟
- ۳- مدل مفهومی مطلوب انواع نسبی‌گرایی چیست؟
- ۴- کدام انواع نسبی‌گرایی بیشتر در علوم اجتماعی دیده می‌شوند؟
- ۵- انواع مردود نسبی‌گرایی با چه نقدهایی روبه‌رو هستند؟
- ۶- آیا اندیشه بومی‌گرایی دکتر کچویان ملزم به نسبی‌گرایی مردود است؟
- ۷- از منظر کچویان تجدد و بومی‌گرایی چیست؟
- ۸- چه ملاحظات و تأملاتی بر دیدگاه وی وجود دارد؟

در این کتاب سعی می‌شود طی پنج فصل به اهدافی از جمله نشان دادن عدم وجود تلقی واحد از نسبی‌گرایی، ترسیم مدل مفهومی مناسب از انواع، نسبت‌های قابل‌صور در علوم اجتماعی، نقد انواع مردود و پیگیری اتهام نسبیت در اندیشه برخی متفکران مسلمان واصل شویم. این فصول عبارتند از:

فصل اول: تبیین انواع نسبی‌گرایی در منظر اندیشمندان

فصل دوم: مدل مفهومی پیشنهادی در مورد انواع نسبی‌گرایی و پیگیری آن در علوم اجتماعی

فصل سوم: نقد انواع مردود نسبی‌گرایی

فصل چهارم: پیگیری انواع نسبی‌گرایی در اندیشه دکتر حسین کچویان

در فصل اول با مراجعه به آراء اندیشمندان مختلف، بهترین نظریات را برگزیده و به ترجمه و یا تلخیص و تبیین به زبانی ساده پرداخته‌ایم. به طور مشخص نظرات کریس سویر، بقرامیان و آدام کارتر و بخش‌های مختلفی در توضیحات سایر بخش‌ها ترجمه شده است.

در فصل دوم سعی گردید بعد از بررسی انواع نسبی‌گرایی در منظر برخی اندیشمندان صاحب نظر این حوزه، دسته‌بندی جامع و کاربردی حاصل شود تا نقشه راهی برای محک نظریات مختلف در این حوزه باشد.

در مرحله بعد با تطبیق برخی نظریات در حوزه علوم اجتماعی به این مدل، برای هر کدام از انواع مصادیقی را ذکر شده است. در ادامه، برخی انواع مردود نسبی‌گرایی مورد نقد قرار گرفته و در

انتها به عنوان مطالعه موردی نظرات یک متفکر مسلمان در حوزه علوم اجتماعی، نظریات دکتر کچویان که به زعم برخی متهم به نسبی‌اندیشی خام است، از این منظر بررسی و ارزیابی شده‌است. در این فصل به واکاوی اهم محورهای نظام فکری ایشان بسنده و اندیشه ایشان با مدل مفهومی پیشنهادی در فصل دوم تطبیق داده شده است.

در پایان ضروری است به حسب وظیفه و قدرشناسی، از تمام بزرگوارانی که در انتشار این اثر نقش داشته‌اند، به ویژه استاد راهنمای بزرگوار جناب آقای دکتر مهدی حسین‌زاده یزدی که با دقت علمی کم‌نظیر خود و جاهت پژوهش را افزوده و همسرم که با همراهی خویش فرصتی را به ارمغان آوردند، قدردانی کنم.

ارسال نظرات صاحب‌نظران و مخاطبان فرهیخته گرامی، مزید امتنان و سبب بهبود اثر در ویرایش‌های آتی خواهد بود. لذا ضمن استقبال از دریافت چنین هدایای ارزنده‌ای، خواهشمندم نظرات خود را به رایانامه [alihaddadi@ut.ac.ir](mailto:alihaddadi@ut.ac.ir) ارسال فرمایید.

علیرضا حدادی

تهران - تابستان ۱۴۰۰



## مقدمه دکتر مهدی حسین‌زاده یزدی

نورمن بلیکی<sup>۱</sup> در کتاب خواندنی *Approaches to Social Enquiry* چنین می‌نویسد: در طول سی سال گذشته، علوم اجتماعی درگیر مناقشات نظری و روش‌شناختی بوده است. با افول اجماع پذیرفته‌شده سنتی و ظهور فلسفه‌های جدید علم و علوم اجتماعی، یک دوره مناقشه در میان بسیاری از دیدگاه‌های نظری و رهیافت‌های تحقیقی پدید آمده است [...] آنچه در این باره تازگی دارد، آن است که دانشمندان و به ویژه دانشمندان علوم اجتماعی، دیگر نمی‌توانند از آنها به این دلیل که فیلسوفان تنها برای گذراندن وقت به این‌گونه مسائل می‌پرداختند، چشم‌پوشی نمایند. پژوهش اجتماعی معصومیت خود را از دست داده است (بلیکی، ۱۳۹۱: ۵۵).

شگفت این‌که در ویراست دوم این اثر که در سال ۲۰۰۷ به چاپ رسید، عبارت «در طول سی سال گذشته» جای خود را به «در طول پنجاه سال گذشته» داد (Blaikie, 2007: 1). شاید این مهم به این معنا منجر شود که به جای این پرسش که «چگونه علوم اجتماعی ممکن است؟» باید پرسید: «آیا علوم اجتماعی ممکن است؟»

پرواضح است که علوم اجتماعی فلسفه نیست و باید مرز روشن و دقیقی را میان فلسفه و علوم اجتماعی ترسیم کرد؛ اما این به معنای توجه‌نکردن به مبانی فلسفی علوم اجتماعی و رهگیری لوازم آن در این علوم و نیز نگاه نقادانه به علوم اجتماعی نیست. البته این مطلب، متمایز از نیازی است که به فلسفه برای فهم نظریه‌ها در علوم اجتماعی وجود دارد. می‌توان گفت تقریباً تمامی آباء جامعه‌شناسی، یا خود، فیلسوف بوده‌اند و نامشان در کتاب‌های تاریخ فلسفه آمده است، مانند آگوست کنت و مارکس و در مرتبه‌ای پایین‌تر، وبر و زیمل یا دستی بر فلسفه داشته‌اند، مانند دورکیم. به عنوان مثال، ماکس وبر در ابتدای مقاله جذاب و خواندنی «عینیت در علوم اجتماعی و

---

1. Norman Blaikie

سیاست اجتماعی» از پیوند نزدیک مباحث اصلی مقاله‌اش با آثار ویندل‌باند و به ویژه ریکرت سخن می‌گوید. با وجود این، آیا می‌توان ناآشنا با آرای نوکانتی‌ها، فهم درخوری از وبر به دست آورد؟

اگر قرار است که حتی عقل محض Pure Reason هم به محکمه نقد رود و نقد عقل محض Critique of Pure Reason سامان گیرد، نمی‌توان چنان قداستی برای علوم اجتماعی بر ساخت که از رفتن به این محکمه شانه خالی کند و خود را به مثابه سوژه‌ای در نقطه‌ای ارشمیدسی پندارد که علم بر مدار او جان می‌گیرد. اساساً می‌توان گفت شرط بالندگی و کارآمدی و حتی شرط حیات علوم اجتماعی حضور در محکمه نقد است. البته بی‌تردید، این حضور آدابی دارد که رهاکردن ردای تعصب و حمیت «شرط اول قدم» است.

علوم اجتماعی در ایران امروز هم با خطر فقدان یا دست‌کم، کمبود نقد و نگاه درجه دوم Second Order در سطوح مختلف مواجه است تا جایی که برخی از پژوهشگران بر این باورند: تحقیقات علوم اجتماعی و رفتاری ما عمدتاً مخدوش، مختل، ناموزون و غیرروشمند است. تحقیقات مذکور با اغماض یا کم‌توجهی به بنیان‌های فلسفی دانش تصور می‌کنند که در چهارچوب اثبات‌گرایی قرار دارند، حال آنکه این پارادایم قدرتمند را به سطح برخی استدلال‌های آماری یا نرم‌افزارهای تحلیل داده‌های عددی فروکاسته و به مبانی آن نیز پایبند نبوده‌اند (محمدپور، ۱۳۸۹: ۲۰).

البته باید تمایز بین دانستن مبانی از پایبندی به آن را به خوبی دریافت. شاید سخن گفتن از پایبندی، به تنهایی، نشانی از خوش‌بینی با خود به همراه داشته باشد. در هر حال، نتیجه این است که «اکثر تحقیقات به ظاهر کمی و اثباتی در علوم اجتماعی و رفتاری ما نه تنها اصول و منطق علمی این پارادایم را دنبال نکرده، بلکه عمدتاً در قالب کلیشه‌هایی چون «عوامل مؤثر بر»، «نقش عوامل... در... مطالعه موردی...». خلاصه شده‌اند. موضوع‌های تکراری، روش‌های تکراری، نظریه‌های تکراری، آماره‌های تکراری و نتایج «بدیهی و عامیانه» مواردی هستند که همه ما به آنها آگاهیم» (محمدپور، ۱۳۸۹: ۲۱ و ۲۲). جالب آنجاست که چنین اظهارنظری در بازار پرهیاهو و پرطمطراق علوم اجتماعی به حال خود رها می‌شود تا جایی که نتایج جست‌وجوی نگارنده نشان می‌دهد نه طرفداری، پژوهشی در اثبات آن و نه مخالفی، پژوهشی در ابطال آن سامان داده است. البته «قصه پر غصه» فرهنگ نقد و نقدپذیری در محافل علمی ما جای بررسی و تأمل جداگانه‌ای دارد.

پر واضح است که کم‌توجهی یا بی‌توجهی به فلسفه هر علمی در هر جامعه علمی، آن علم را از



حرکت و تکاپو می‌اندازد و امکان‌ها و فرصت‌هایی که بررسی‌های موشکافانه و نقدهای بی‌رحمانه فیلسوفان فراهم می‌آورد، محروم می‌سازد. نگاه به علوم اجتماعی از منظری عقلانی و پرسیدن پرسش‌هایی فلسفی از علوم اجتماعی و تلاش برای پاسخ‌دادن به آنها می‌تواند بر عمق و گستره علوم اجتماعی در ایران بیفزاید و آن را پویاتر و بانشاطتر سازد؛ زیرا مسئله‌هایی تازه و پرسش‌هایی جدید مطرح می‌کند و اصحاب علوم اجتماعی را به اندیشیدن درباره آنها فرامی‌خواند. یکی از آسیب‌های کم‌توجهی یا بی‌توجهی به نگاه درجه دوم، درج‌زدن ابزارهای معرفتی و رشد نکردن آن در این وادی است. جان سرل بر این باور است که پاره‌ای از مسائل بنیادین علوم اجتماعی به خاطر فقدان ابزارهای لازم، حتی از سوی فیلسوف جامعه‌شناسان پایه‌گذار علوم اجتماعی در قرن نوزدهم و بیستم، مانند وبر، زیمل و دورکیم، پاسخ‌درخوری نیافته است (Searle, 1995: xii). وی در این راستا، دوگانه‌ها و چندگانه‌هایی را مطرح می‌کند که مسیر پرفرازونشیب پاسخ به این مسائل بنیادین را هموار می‌سازد.

یکی از این دوگانه‌ها که به فهم پژوهش پیش رو کمک درخوری می‌کند، تفاوت میان ذهنی (سوبژکتیو) و عینی (ابژکتیو) در ساحت‌های گوناگونی است که از آن با عنوان مقام تصور و تصدیق نام می‌برم. توضیح آنکه، مفاهیم علوم اجتماعی، اعتباری (در مقابل حقیقی)، ذهنی (در مقابل عینی)، نظری (در مقابل مشاهده‌تی) و برساختی است. این عناوین معانی نزدیک به هم دارند. برای روشن‌شدن بحث، نخست آن را با توجه به اصطلاحات فلسفی خودمان و در ادامه، از منظر جان سرل بیان می‌کنم. مفاهیم علوم اجتماعی، ماهوی نیستند؛ زیرا مابه‌ازای عینی مستقل و منحاز ندارند. ثانی فلسفی نیستند؛ چون مابه‌ازای عینی ندارند و ثانی منطقی نیستند؛ زیرا اتصافشان ذهنی نیست. البته برخی پژوهش‌ها کوشیده‌اند که دست‌کم برخی از مفاهیم آن را در قلمرو معقولات ثانی فلسفی جای دهند (حسین زاده یزدی، ۱۳۹۳). اینکه تا چه اندازه این قبیل پژوهش‌ها موفق بوده‌اند، خود، نقد و ارزیابی جدی می‌طلبد.

از دیدگاه جان سرل، ذهنی و عینی گاهی در معنای هستی‌شناختی به‌کار می‌روند. در این معنا ذهنی و عینی محمول - به تعبیر سرل - هویات Entities یا انواع Types آن قرار می‌گیرد. وقتی موضوع یا هویتی را عینی می‌نامیم، یعنی نحوه وجود Mode of Existence آن، مستقل از هر گونه سوژه‌ای<sup>۱</sup> است (Searle, 1995: 8)؛ مثلاً گوسفند، هویتی عینی است؛ یعنی جدای از لحاظ وجود هر سوژه‌ای، گوسفند وجود دارد. ذهنی دانستن موضوع یا هویت از وابستگی آن به سوژه حکایت می‌کند؛ مانند اینکه پیچ‌گوشی هویتی ذهنی است. به عبارتی، زمانی که سوژه، فلزی را

۱. سرل از واژگانی، مانند observer, user استفاده می‌کند.

پیچ‌گوشتی برمی‌شمرد، در واقع از کارکردی پرده برمی‌دارد که برای آن لحاظ کرده است. در واقعیت، فلزی خاص با فرمول شیمیایی خاصی وجود دارد؛ اینکه این فلز پیچ‌گوشتی است، کارکردی است که سوژه بدان نسبت می‌دهد.

ذهنی و عینی گاهی نیز در معنای معرفت‌شناختی به‌کار می‌روند. در این معنا محمول گزاره‌ها یا احکام قرار می‌گیرند. زمانی که از ذهنی‌بودن حکم یا گزاره‌ای سخن می‌رود، یعنی صدق و کذب آن وابسته به امر واقع نیست؛ بلکه بسته به نگرش‌ها و احساسات و... سوژه است (Searle, 1995: 8)؛ مانند گزاره «این کوه زیباست» ذهنی است. در مقابل، عینی‌بودن حکم یا گزاره قرار می‌گیرد که از وابستگی صدق و کذبش به واقعیت حکایت می‌کند؛ مانند گزاره «این گوسفند علف می‌خورد» عینی است.

اکنون، توجه به این مهم در درک این پژوهش راهگشا است که عینی یا ذهنی‌بودن در معنای هستی‌شناختی تلازمی با عینی یا ذهنی‌بودن در معنای معرفت‌شناختی ندارد (Searle, 1995: 12-13). به عبارتی، می‌توان گزاره‌ای را در نظر گرفت که در مقام تصور ذهنی و در مقام تصدیق عینی باشد و بالعکس. اولی مانند «پیچ‌گوشتی می‌تواند به مثابه اهرم به‌کار رود». در این مثال، درباره هویتی ذهنی حکمی عینی را بیان کرده‌ایم. امکان اهرم‌بودن برای پیچ‌گوشتی به احساسات و نگرش‌ها و... سوژه وابسته نیست. دومی، مانند «این گوسفند حیرت‌انگیز است». درباره هویتی عینی، حکمی ذهنی را گفته‌ایم.

در این پژوهش، علیرضا حدادی، پژوهشگر با استعداد و پرتلاش جامعه‌شناسی می‌کوشد در راستای ضرورت پژوهش‌های نقادانه و درجه دوم، خوانشی متفاوت از دیدگاه یکی از فیلسوف‌جامعه‌شناسان معاصر ایرانی، دکتر حسین کچویان، ارائه دهد. بارزترین ویژگی این خوانش آن است که با حفظ غنای دیدگاه کچویان، آن را از اتهام انواع نسبی‌گرایی می‌رهاند.

مهدی حسین‌زاده یزدی

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

## فصل اول :

# تبیین انواع نسبی‌گرایی در منظر اندیشمندان

### مقدمه

آنچه معروف به نسبی‌گرایی است، انواع گوناگونی دارد. شاید بتوان مهم‌ترین و پرکاربردترین این انواع را نسبی‌گرایی معرفتی دانست. آنچه برای افراد یک فرهنگ یا پیروان یک نظریه علمی، معرفت به شمار می‌آید به زمینه فرهنگی یا نظری آنها بستگی دارد. توضیح بیشتر آنکه منظور نسبی‌گرایان از صدق، بیش از آنکه مطابقت با واقع باشد، انسجام یا کارآمدی است. سازش اندیشه‌ها در یک پارادایم منسجم و یا منفعت در میدان نتیجه است که سرانجام واقعیت و تطابق را نیز بر ساخت می‌کند (عارفی، ۱۳۸۸).

### الف. تفکیک نسبییت، نسبی‌گرایی، نسبت‌گرایی و رابطه‌مندگرایی

در ابتدا لازم است میان چند مفهوم که ممکن است به اشتباه به جای هم به کار گرفته شوند، تمایز قائل شویم. مفاهیمی چون نسبییت<sup>۱</sup>، نسبی‌گرایی<sup>۲</sup>، نسبت‌گرایی<sup>۳</sup> و رابطه‌مندگرایی<sup>۴</sup> که لزوماً به یک معنی نیستند.

- 
1. relativity
  2. relativism
  3. Relationism
  4. Relationalism